

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

عربی زبان قرآن 3 (دوازدهم)

قواعد درس اول (حروف مشبّهة بالفعل - لا النافية للجنس)

مدرس: عبدالمجید رستمی

استان فارس کازرون

پایه دوازدهم تجربی و انسانی

دبیرستان: نمونه دولتی سعادت - تیزهوشان شهید دستغیب

سال تحصیلی: 1400

حروف مشبّهة بالفعل

حروف مشبّهة بالفعل:

إِنَّ - أَنْ - كَأَنَّ - لَكِنَّ - لَيْتَ - لَعَلَّ

□ إِنَّ: به معنی (همانا - قطعاً - به درستی که - یقیناً - بی گمان)

✓ برای تأکید جمله ی بعد از خود می آید. (للتأکید)

✓ إِنَّ یا ترجمه می شود که در این حالت ترجمه اش در اوّل جمله قرار می گیرد. البته إِنَّ بر سر آیات قرانی حتماً باید ترجمه شود.

إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ: بی گمان خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی کند.

✓ می توان **إِنَّ** را هم ترجمه نکرد؛ البته اگر بر سر جمله ی اسمیه ای
غیر از آیات قرآنی آمده باشد:

إِنَّ الطَّالِبَ نَاجِحٌ: دانش آموز موفق است.

✓ اگر قبل از **إِنَّ** فعل **أمر یا نهی** آمده باشد **إِنَّ** را به (زیرا - برای اینکه
- چون) ترجمه می کنیم.

لَا تَغْضَبْ فَإِنَّ الْغَضَبَ مَفْسَدَةٌ: خشمگین نشو؛ زیرا خشم مایه ی تباهی
است.

أَنَّ: به معنای که است و برای ارتباط و پیوند بین دو جمله (للإتصال) می آید.
قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

در این آیه ی شریفه کلمه ی (أَنَّ) بین جمله ی (أَعْلَمُ) و الله على كل شيء قدیر آمده است.

نکته: ل + أَنَّ (لَأَنَّ): به معنای (زیرا، برای اینکه) بر سرِ پاسخ به یک سؤال می آید.

لِمَاذَا مَا سَافَرْتَ بِالطَّائِرَةِ؟ لَأَنَّ بِطَاقَةِ الطَّائِرَةِ غَالِيَةً.

كَأَنَّ: به معنای «گویی» و «مانند» است (للتشبيه)

كَأَنَّ برای تشبیه یا تردید می آید.

كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وِ الْمَرْجَانُ. آنان **مثل** یاقوت و مرجانند.

لَكِنَّ: به معنای «اما» و «ولی» و برای کامل کردن پیام و رفع ابهام می آید. (لرفع
الابهام أو لتكميل الخبر)

إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وِ **لَكِنَّ** أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ.

بی گمان خدا دارای بخشش بر مردم است، **ولی** بیشتر مردم سپاسگزاری نمی کنند.

لَيْتَ: به معنای «کاش» و بیانگر آرزو است. (لِلتَّمَنِّي)
گاهی به صورت «یا لَيْتَ» به معنی «ای کاش» می آید.

لَيْتَ فَصَلَ الرَّبِيعَ طَوِيلٌ فِي بِلَادِنَا.

کاش فصل بهار در کشور ما طولانی باشد.

وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا. و کافر می گوید ای کاش من خاک بودم

لَعَلَّ: یعنی «شاید» و «امید است» (للتَّرجي):

إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ:

بی گمان ما قرآن را به زبان عربی (آن را خواندنی عربی) قرار دادیم امید است شما خردورزی کنید.

نکته: اگر بعد از (لَيْتَ - لَعَلَّ) فعل مضارع بیاید آن را به مضارع التزامی (ب + بن مضارع + شناسه) ترجمه می شود.

نکته (ویژه علوم انسانی):

محلّ اعرابی (نقش) کلمات بعد از حروف مشبّهة بالفعل را طبق فرمول زیر یاد بگیرید:
حرف مشبّه + اسم حرف مشبّهة و منصوب + خبر حرف مشبّهة و مرفوع:

قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

(أَنَّ: حرف مشبّهة بالفعل / الله اسمٌ أَنَّ و منصوب به فتحه // قدیر خبرٌ أَنَّ و مرفوع به ضمه)

گاهی ممکن است اسم حروف مشبّهة بالفعل به صورت ضمیر و خبرش به صورت فعل یا جار و مجرور باشد. در این حالت علامت اعرابشان را ذکر نمی کنیم.

كَأَنَّهِنَّ الْيَاقُوتُ وَ الْمَرْجَانُ

(كَأَنَّ: حرف مشبّهة بالفعل // هُنَّ اسم كَأَنَّ // الْيَاقُوتُ: خبر كَأَنَّ و مرفوع به ضمّه)

إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ

(إِنَّ: حرف مشبّهة بالفعل // اللَّهُ اسم إِنَّ و منصوب // لَا يُضِيعُ: خبر إِنَّ)

لا النَّافِيَةُ لِلْجِنْسِ (لا نفی جنس)

لا النَّافِيَةُ لِلْجِنْسِ:

به فارسی لانفی جنس گفته می شود، نوعی از (لا) می باشد که بعد از آن حتماً یک جمله اسمیه می آید و در ترجمه ی آن از (هیچ نیست) استفاده می شود.

دو خصوصیت اسم بعد از لانفی جنس:

ال) بدون ال و تنوین می آید.

ب) همیشه فتحه یعنی -َ می گیرد

للباسِ أَجْمَلٌ مِنَ الْعَافِيَةِ.

نکته (ویژه علوم انسانی): محل اعرابی اسم بعد از لانفی جنس، اسم لا نفی جنس و نکره و مفتوح است و خبر لانفی جنس بعد از اسمش به صورت مرفوع می آید.

در مثال فوق (**لباس** اسم لا نفی جنس و نکره و مفتوح // **أجملٌ**: خبر لانفی جنس و مرفوع به علامت ضمه)

یاد آوری انواع «لا»

انواع (لا) در زبان عربی:

الف) لاجواب: نوعی (ل) که با آن به سوالی که جوابش منفی باشد پاسخ داده شود؟

هَلْ أَنْتَ مِنْ طَهْرَانَ؟ **لا** أَنَا مِنْ شِيرَازِ

ب) لانفی مضارع: نوع (لا) که بر سر مضارع می آید و در انتهای مضارع تغییری ایجاد نمی کند و مضارع بعد از آن به صورت اخباری منفی ترجمه می شود.

هُوَ لَا يَذْهَبُ: او نمی رود

نکته: البته اگر قبل از لانی مضارع (کان) بیاید مضارع را به **ماضی استمراری منفی** و اگر قبل از آن (أَنْ - حَتَّى - كِي - لَ - لَکَي) بیاید آن را به مضارع التزامی منفی ترجمه می کنند.

فهذا يومُ البعثِ ولكنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ:

پس این روز رستاخیز است ولی شما **نمی دانستید**.

علینا أَنْ لَا نَذْکُرَ عِیُوبَ الْآخِرینَ:



ما نباید که عیب های دیگران را ذکر بکنیم (برما واجب است که عیب های دیگران را ذکر نکنیم)

ج) لانهی

لانهی بر سر مضارع می آید و در انتهای مضارع تغییر ایجاد می کنند یعنی انتهای مضارع در برخی از شخص ها ساکن دارد و شخص های دارای نون نون از آخرش حذف می شود به جز نون جمع مؤنث.

انتهای مضارع در شخص های زیر بعد از لای نهی :

الف) در اول شخص مفرد و دوم شخص مفرد و سوم شخص مفرد و اول شخص جمع ساکن- دارد.
لا اذْهَبْ (نباید بروم - نروم) // لا تَذْهَبْ (نرو) // لا يَذْهَبْ و لا تَذْهَبْ: نباید برود // لا نَذْهَبْ: نباید برویم

- 
- 
- (ب) در دوم شخص مفرد مونث انتهایش (ي) است. لاتَذْهَبِي: نرو
- (ج) در دوم شخص جمع مذکر انتهایش (وا) است: لاتَذْهَبُوا: نروید
- (د) در دوم شخص جمع مذکر انتهایش (نَ) است: لاتَذْهَبْنَ: نروید
- (ذ) در دوم شخص مثنیٰ مذکر و مونث انتهایش (ا) است: لاتَذْهَبَا:
نروید (شما دوتا)

ترجمه فعل نهی

الف) فعل نهی اول شخص و سوم شخص:

به صورت (نباید + مضارع التزامی یا التزامی منفی) ترجمه می شود.

ب) فعل نهی دوم شخص: به صورت امر منفی

مانند مثال های بالا